یک «بچه‌رئیس» تازه در راه

انیمیشن «بچه‌رئیس ۲»، بهار سال جدید میلادی اکران عمومی می‌شود. تیم مک گرات، کارگردان فیلم و جیمز مارسدن و آلک بالدوین دو صداپیشه اصلی آن هستند. در داستان فیلم، دو برادر کوچولوی قسمت اول بزرگ شده و زندگی مستقلی را شروع کرده‌اند. تیم که در داستان نسخه اصلی از دست برادر کوچک‌ترش تد آسایش نداشت، حالا خودش پدر شده و زندگی آرامی دارد. اما ورود یک بچه‌رئیس تازه، دوباره زندگی تیم را زیر و رو می‌کند. /ورایتی

ترس در لندن دهه ۵۰

سام راکول و دیوید اویلوو، بازیگران یک درام پررمز و راز بدون نام تازه‌ای هستند که توسط تام جورج کارگردانی می‌شود. فیلم داستان یک تهیه‌کننده موفق اما ناامید هالیوودی است که قصد تولید نسخه سینمایی یک نمایش موفق صحنه‌ای وست اند لندن را در دهه ۵۰ میلادی دارد. با به‌قتل‌رسیدن دست اندرکاران فیلم، پای پلیس به ماجرا کشیده می‌شود. /ددلاین

چهره خبرساز

یاد استالونه از «مرد ویرانگر»

«مرد ویرانگر» ۳۰ سال بعد از اکشن کاری‌هایش روی پرده سینما، با یک داستان جدید برمی‌گردد و با تماشاگران سینما به گپ و گفت می‌نشیند. سیلوستر استالونه، بازیگر اصلی این اکشن علمی- تخیلی خبر از ساخت دومین قسمت فیلم معروف دهه ۹۰ میلادی‌اش می‌دهد.

اکشن کار موفق چند دهه قبل سینما که روزگار پیری‌اش را تجربه می‌کند، در اینستاگرام خود دراین‌باره صحبت کرده و به طرفدارانش وعده تولید فیلم را داده است. به نوشته او: «فکر کنم این موضوع انجام‌شدنی است. هم‌اکنون در حال کار روی فیلمنامه آن هستیم. مدیران برادران وارنر هم می‌خواهند این اتفاق بیفتد و مرد ویرانگر تبدیل به یک مجموعه فیلم دنباله‌دار شود. باید ببینیم این اتفاق چه زمانی و به مرحله عمل می‌رسد.» البته استالونه دراین‌باره صحبت نکرد که چرا مدیران کمپانی برادران وارنر این‌قدر دیر به فکر تبدیل مرد ویرانگر به یک مجموعه فیلم دنباله‌دار افتاده‌اند. نسخه اصلی سال ۱۹۹۳ اکران عمومی شد و مارکو برامبیلا کارگردانش بود.

فروش جهانی فیلم در برابر هزینه تولید ۴۵ میلیون دلاری آن حدود ۱۶۰میلیون دلار بود. استالونه در نقش افسر جان اسپارتان به دلیل تخلف کاری، منجمد و زندانی می‌شود. فونیکس شخصیت منفی داستان (با بازی وسلی اسنایپز) هم مثل اسپارتان منجمد و زندانی می‌شود. در سال ۲۰۳۲ فونیکس خود را احیا کرده و خلافکاری‌هایش را آغاز می‌کند. اداره پلیس برای مقابله با او، اسپارتان را آزاد می‌کند. درگیری این دو در قرن بعدی، دستمایه اصلی داستان فیلم است. ساندرا بولاک که آن زمان تازه به‌صورت بازیگری مطرح درآمده بود، نقش مهم دیگر مرد ویرانگر را بازی می‌کرد. معلوم نیست او برای قسمت دوم به داستان فیلم برمی‌گردد یا نه. مدیران برادران وارنر هنوز درباره اظهارات استالونه، واکنشی از خود نشان نداده‌اند. /امپایر

سینما در خدمت تاریخ یا تاریخ در خدمت سینما؟

از «ناپلئون» تا «ریگان» روی پرده

کیکاووس زیاری
سینمای جهان

چند شخصیت تاریخی سراغ دارید که داستان زندگی‌شان روی پرده سینما تعریف شده است؟ چند تا از آنها نه یک‌بار که چندین بار در فیلمی سینمایی به تصویر کشیده شده‌اند؟ چرا صنعت سینما و فیلمسازان دوست دارند زندگی این چهره‌ها و شخصیت‌های نامدار را تبدیل به فیلم سینمایی کنند؟ چرا نه فقط شخصیت‌های محبوب که حتی شخصیت‌های منفور و منفی هم در فیلم‌ها به تصویر کشیده می‌شوند؟ این همه علاقه برای بازسازی تصویری زندگی و شخصیت این چهره‌های قدیمی (و حتی جدید) برای چیست و از کجا می‌آید؟ این پرسش‌ها و بسیاری پرسش‌های مشابه هربار که خبر تولید فیلمی تازه درباره یک شخصیت تاریخی منتشر می‌شود، ذهن منتقدان و تماشاگران سینما را با خود درگیر می‌کند. البته همیشه نمی‌توان به‌راحتی پاسخی برای این پرسش‌ها پیدا کرد. برای همین است که هر بار این پرسش‌ها تکرار و تکرار می‌شود.

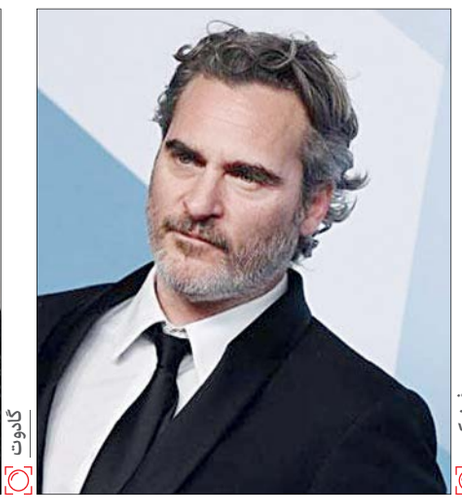

فونیکس

گادوت

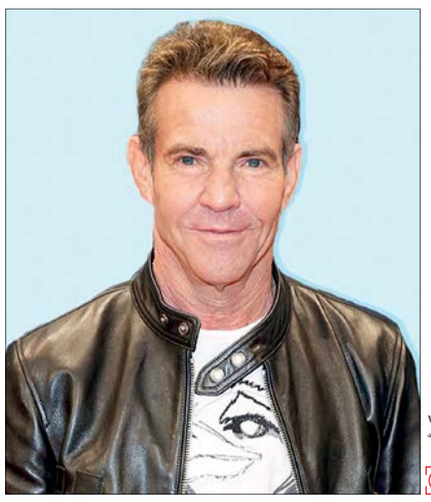

کوئید

فیلمسازان می‌گویند تاریخ سراسر درس و عبرت است و تولید فیلم‌های تاریخی و تعریف داستان شخصیت‌های داخل آن، کمک می‌کند تا از تکرار اتفاقات و حوادث بد پیشگیری شود و دنیا جای بهتری برای زندگی مردمانش باشد. اما تکرار اتفاقات بد در زندگی واقعی، حکایت از آن می‌کند که ظاهرا کمتر کسی بعد از دیدن آثار تاریخی از آنها درس عبرت گرفته و تبدیل به آدم خوبی می‌شود! اما مساله چیز دیگری هم هست. مردم عادی علاقه زیادی برای شنیدن درباره شخصیت‌های تاریخی دارند. به باور آنها، این شخصیت‌ها دور از دسترس هستند و دیدن فیلمی درباره آنها عطش دانستن درباره جزئیات زندگی‌شان را فرو می‌نشاند.

در عین حال، فیلم‌های تاریخی در کنار داستان‌هایی که شبیه افسانه‌های شاه پریان است، از صحنه‌آرایی‌ها و طراحی‌های لباس جذاب و شکوهمند و چشم‌نوازی بهره می‌گیرند و این چیزی است که تماشاچی معمولی سینما به‌شدت آنها را می‌پسندد. هر چه تاریخ عقب‌تر می‌رود، این صحنه‌پردازی‌ها باشکوه‌تر می‌شود. دیدن سیل سربازانی که در چند خط واحد منتظر دستور فرمانده‌شان برای حمله‌ای بزرگ هستند، چیزی است که در زندگی واقعی هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتد و مردم عادی در زندگی روزمره‌شان نمی‌توانند شاهد آن باشند.

دوباره‌سازی شخصیت‌های قدیمی

شاید به همین دلیل است که صنعت سینما قصد دارد دوباره داستان زندگی شخصیت‌هایی چون کلئوپاترا و ناپلئون را در فیلم‌هایی جدید به تصویر بکشد. این فیلم‌ها در کنار صحنه‌پردازی‌های باشکوه (که حالا با کمک فناوری‌های نوین دیجیتالی و کامپیوتری، باشکوه‌تر دیده می‌شوند)، از وجود بازیگرانی مطرح و موفق در نقش‌های اصلی خود بهره می‌گیرند. نسخه جدید داستان زندگی ناپلئون را ریدلی اسکات با نام «کیتبگ» جلوی دوربین می‌برد، فیلمسازی که در کارنامه‌اش درام‌های تاریخی «گلادیاتور» و «رابین هود» را دارد. برای نقش فرمانده مقتدر ارتش فرانسه هم واکین فونیکس را انتخاب کرده است. این بازیگر مؤلف که تا به‌حال نقش‌های متفاوت و غیرمتعارف زیادی بازی کرده، سال قبل برای ایفای نقش جوکر در فیلمی به همین نام به‌شدت مورد تحسین منتقدان و جماعت سینما قرار گرفت و اسکار بهترین بازیگر نقش اول را از آن خود کرد. اسکات حدود ۲۰ سال قبل فونیکس را در نقشی به‌یادماندنی در گلادیاتور هدایت کرد.

در همکاری مشترک تازه این دو هنرمند، قرار است ظهور بی‌رحمانه امپراتور قرن نوزدهم فرانسه و نحوه به قدرت رسیدنش به تصویر کشیده شود. هم زندگی او با ژوزفین و هم نبردهای مهمی که کرد، در داستان فیلم نقش مهمی دارند. شرکت والت دیزنی تهیه‌کننده فیلم، آن را برای اوایل سال جدید میلادی جلوی دوربین می‌برد. اما پرسشی که از سوی منتقدان مطرح شده، این است که آیا فونیکس گزینه مناسبی برای ایفای نقش این امپراتور و فرمانده نظامی بی‌رحم و مستند هست یا نه. برخی منتقدان نگران آن هستند که بازی گرم و پرقدرت فونیکس در نقش ناپلئون، چهره و تصویری مثبت و غم‌خوارانه از او روی پرده سینما ارائه دهد.

انتقاد تاریخی!

این اتفاقی است که برای گال گادوت هم به‌خاطر بازی در نقش کلئوپاترا در فیلمی به همین نام افتاده است. انتخاب او برای ایفای نقش ملکه پرقدرت دوران کهن مصر، با انتقاداتی روبه‌رو شده‌است. داستان زندگی ملکه افسانه‌ای مصر قبل از این در فیلم معروف و بدیمنی به کارگردانی جوزف منکیه ویچ و با بازی الیزابت تیلور و ریچارد برتون در سال ۱۹۶۳ به تصویر کشیده شده است. اما شرکت پارامونت با این تصور که حالا می‌توان فیلمی تماشایی و پرفروش ارائه کرد، سراغ داستان زندگی جنجالی ملکه باستانی مصر رفته است. این در حالی است که یک دهه قبل هم استیون اسپیلبرگ، جورج لوکاس و آنجلینا جولی قصد داشتند همین داستان را تبدیل به فیلمی سینمایی کنند. مدیران پارامونت با کنار زدن رقبای سرسختی چون نتفلیکس و اپل و دو شرکت یونیورسال و برادران وارنر، توانستند امتیاز تولید فیلم را به‌دست بیاورند و پتی جکینز (کارگردان «واندروومن») با بازی گادوت) را برای ساخت آن انتخاب کردند. اطلاعی از داستان فیلم در دست نیست، اما می‌توان حدس زد زندگی او در کنار سزار مصر و همچنین مارک آنتونی، بخش مهمی از این داستان را دربر بگیرد. در حالی که هنوز معلوم نیست کلید فیلمبرداری کلئوپاترا چه زمانی زده خواهد شد، در خاورمیانه نسبت به انتخاب گادوت اسرائیلی‌تبار در نقش یک ملکه مصری، اعتراضات زیادی صورت گرفته است.

بازهم ریگان؟

اما هنگام انتخاب بازیگران درام تاریخی و نسبتا معاصر «ریگان»، نشانه‌ای از این گونه اعتراضات دیده نشد. همان‌طور که از نام فیلم پیداست، داستانش درباره چهلمین رئیس‌جمهور آمریکا و یکی از منفورترین آنهاست. دنیس کوئید که سال‌ها از دوران موفقیتش در نقش جوان‌اول‌های سینما می‌گذرد، لباس ریگان را در این درام تاریخی به تن می‌کند.

کلید فیلمبرداری چند روز قبل خیلی بی‌سروصدا در اوکلاهما زده شد. شان مک نامارا کارگردان فیلم است و داستانش را از دریچه چشمان یک مامور کاگ ب سازمان ضدجاسوسی شوروی سابق تعریف می‌کند. این کاراکتر خیالی، تماشاگران را به دوران جنگ سرد و رویارویی دو قدرت بزرگ هسته‌ای جهان در دهه ۸۰ میلادی می‌برد. آشنایی این مامور با بازیگر نقش‌های مکمل وسترن‌های هالیوودی که به فرمانداری کالیفرنیا رسید و بالاخره سر از کاخ سفید درآورد، بخش مهمی از تاریخ معاصر را در معرض دید تماشاگران قرار می‌دهد.

برای کوئید بازی در نقش یک شخصیت تاریخی در دوران افول بازیگری‌اش، می‌تواند بازگشتی شکوهمند به حساب بیاید، اما نمی‌توان چنین تعبیری را به فونیکس و گادوت هم تعمیم داد. این دو در حال حاضر جزو چهره‌های مطرح روز سینما هستند و به باور خودشان، برای کسب موفقیت نیاز چندانی به ظاهر شدن در نقش یک شخصیت پرسروصدای تاریخی نمی‌بینند. از این منظر، وضعیت کوئید می‌تواند بیشتر شبیه وضعیت بن کینگزلی زمان حضور در «گاندی» باشد. در سال ۱۹۸۱ که این درام تاریخی ریچارد آتن بورو اکران عمومی شد، بازیگر انگلیسی‌تبار سینما بیشتر در نقش‌های مکمل ظاهر شده بود. بازی در نقش شخصیتی چون مهاتما گاندی و دریافت جایزه اسکار برای آن، نام کینگزلی را در سطح وسیعی سر زبان‌ها انداخت. اما این بازیگر بعد از موفقیت کلان مادی و انتقادی گاندی، نتوانست استفاده بهینه‌ای از آن کند و کمی بعد دوباره به حضور در نقش‌های مکمل و کم‌اهمیت تن داد.

گیشه و نمایش

تعطیلات شکرگزاری بی‌رمق

با وجود اکران عمومی یک فیلم بزرگ و پرسروصدا، تعطیلات جشن شکرگزاری در آمریکا با موفقیت سینمایی همراه نبود. دومین قسمت انیمیشن خانوادگی و اکشن «خانواده کرودها»، با افتتاحیه‌ای ۱۴میلیون دلاری نمایش عمومی‌اش را شروع کرد. فیلم در کنار فروش سه روز خود در آخر هفته، روز تعطیل جشن شکرگزاری را هم داشت. فروش کلی چهار روزه فیلم نتوانست تهیه‌کنندگانش در دو کمپانی یونیورسال و دریم ورکز را راضی کند. البته تحلیلگران اقتصادی از قبل گفته بودند به دلیل بیماری کرونا، احتمال استقبال بالا از این کمدی اکشن ماجراجویانه بسیار کم است.

جوئل کرافورد، کارگردان فیلم و نیکلاس کیج، اما استون، رایان رینولدز و کاترین کینر صداپیشه‌های اصلی آن هستند. خانواده کرودها همراه دوست جوان تازه خود در یک سفر طولانی با ماجراجویی‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند. اهل فن از تعطیلات جشن شکرگزاری به عنوان یکی از مهم‌ترین پنجره‌های سودآوری در جدول گیشه نمایش اسم می‌برند. سال گذشته در همین ایام، دومین قسمت «یخ‌زده» با افتتاحیه‌ای ۱۰۰میلیون دلاری نمایش عمومی خود را آغاز کرد و در کل توانست ۲۸۸میلیون دلار در آمریکای شمالی فروش کند. فروش کرودها۲ در حدود ۳۰کشور دیگر دنیا هم حدود ۳۶ میلیون دلار بوده است. /باکس آفیس

شگفتی هفته

فاصله سنی؟!

فاصله سنی مارک روفالو و رایان رینولدز فقط ۹ سال است. به صورت طبیعی او می‌تواند حکم برادر بزرگتر رینولدز را داشته باشد و نه چیز دیگر. اما سازندگان درام علمی - تخیلی «پروژه آدام» در شبکه اینترنتی نتفلیکس، به این نتیجه رسیده‌اند که روفالو می‌تواند نقش پدر رینولدز را به عهده بگیرد. جالب این‌که این بازیگر هم با رضایت کامل این موضوع را پذیرفته است! درام ماجراجویانه و علمی نتفلیکس، داستانی درباره سفر در زمان و بازگشت به گذشته و آینده است. زوئی سالدانا، جنیفر گارنر و کاترین کینر هم در این فیلم حضور دارند.

در داستان فیلم، رینولدز مردی است که با سفر به گذشته‌ها در تونل زمان، با خودش در ۱۳ سالگی ملاقات می‌کند. او با کمک این نوجوان ۱۳ ساله، به جست‌وجوی پدر درگذشته‌شان می‌پردازند. شخصیت روفالو در فیلم، یک فیزیکدان است. شخصیت منفی ماجرا (با بازی کینر)، تکنولوژی خلق شده توسط این فیزیکدان را ربوده و قصد انجام کارهای ضدبشری با آن را دارد. شاون لوی کارگردان فیلم است و کار فیلمبرداری آن هم اکنون در تورنتوی کانادا ادامه دارد. هنوز زمانی برای پخش اینترنتی و استریم پروژه آدام تعیین نشده است.

روفالو در گفت‌وگو با رسانه‌ها، اطلاعات زیادی درباره نقش شخصیت خود در این درام علمی -تخیلی نداده و تماشاگران را دعوت به دیدن فیلم و کشف رمزوارزهای درون شخصیت خود در آن کرده است. او می‌گوید: «فکر کنم تماشاگران با دیدن فیلم، چیزهای مهمی را کشف کنند. اگر در اینجا توضیحی بدهم، شیرینی ماجرا از بین می‌رود. از من می‌پرسند چطور نقش پدر رایان رینولدز را قبول کرده‌ام. کاری به فاصله سنی کم من و او نداشته باشید، بعد از تماشای فیلم به من حق خواهید داد که این نقش را قبول کردم!». /اسکرین اینترنشنال

دست تولید

گاسلینگ؛ گرگ جدید سینما

این فقط بازیگران گونه عامه‌پسند و تجاری نیستند که خودشان را روی پرده سینما با هیولاهای قدیمی و جدید درگیر می‌کنند. بازیگر مولفی چون رایان گاسلینگ هم می‌تواند سر از دنیای سرشار از هیجان و دلهره آنان درآورد. کمپانی یونیورسال این روزها در تدارک ساخت نسخه تازه‌ای از اکشن ترسناک کلاسیک خود «مرد گرگی / ولفمن» است و برای نقش اصلی آن با گاسلینگ وارد مذاکره شده است. کارنگارش فیلمنامه را تیم دو نفره لورن شوکر بلوم و ربکا آنجلو انجام می‌دهند. انتخاب دو نویسنده خانم برای یک اکشن ترسناک مردانه، با شگفتی اهل فن همراه بوده است. حتی گاسلینگ هم نسبت به این موضوع واکنش نشان داده است. اما مدیران یونیورسال به بازیگر قول داده‌اند این خانم‌ها فیلمنامه‌ای جذاب و بسیار خوب ارائه خواهند داد.

در داستان مرد گرگی، گاسلینگ یک مجری موفق و معروف خواهد بود که مورد حمله یک گرگ قرار گرفته و تحت تاثیر این موضوع، کم‌کم از حالت طبیعی خارج شده و خلق و خویی گرگ‌مآبانه پیدا می‌کند.

نکته جالب ماجرا این است که مدیران یونیورسال به این موضوع اشاره می‌کنند که داستان مرد گرگی شباهت‌هایی با درام اجتماعی و معروف «شبکه» (محصول سال ۱۹۷۶ با بازی ویلیام هولدن و فی داناوی) خواهد داشت. حالا این مساله که اکشن ترسناک هیولایی مثل مرد گرگی چه سنخیتی با یک درام تند اجتماعی می‌تواند داشته باشد، موضوعی است که بعد از تماشای فیلم می‌توان متوجه شد!

نسخه جدید مرد گرگی به داستان نسخه اصلی که سال ۱۹۴۱ اکران عمومی شد، وفادار خواهد ماند. نقش اصلی این فیلم را لون چانی جونیور به‌عهده داشت. او هم در این فیلم، در قالب مرد بخت‌برگشته‌ای ظاهر شده که تبدیل به موجودی گرگ‌گونه می‌شود و دردسرهایی برای محیط پیرامون خود ایجاد می‌کند. /هالیوودریپورتر